

שלום עולמי



"صلح جهانی"
ماہنامہ مہاجرین ایرانی اسرائیل
شواط سال ۵۷۸۲

"به امید صلح و سلامتی پایدار در سراسر جهان هستی"

به امید پروردگار متعال نشریه **שלום** بصورت ماهیانه به استحضار شما می‌رسد ،
جهت ادامه چاپ این نشریه به کمک شما نیاز می‌ریم لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید:

shalomiranian@gmail.com

« یوسف ۰۵۰۶۸۲۲۸۹۹ »

این نشریه جهت اعتلا و شادی روح و روان آقا جان دین اوراهام و قمری ملاملا (دش شواط ۵۷۰۴ عبری)
اختصاص یافته است.

שלום בית ؛ صلح و صفا در خانواده

در شماره‌های قبل از زوایای مختلف اهمیت و چگونگی برقراری صلح و صفا در خانواده تشریح گردید. دلیل مهم و اساسی که ما را بر آن داشت در این نشریه به این مبحث پیچیده بپردازیم ، هم چنان که شاهد هستیم افزایش اختلافات و دعوای بین زوجین در جامعه بوده که متأسفانه در بیشتر موارد منجر به جدایی زوجین و از هم گسستگی خانواده گشته که بدین ترتیب آمار طلاق سیر صعودی را در تمام جوامع طی نموده که مشکلات عدیده‌ای را در این جوامع به وجود آورده است.

کلیه مطالب این بحث از کتب معتبر اقتباس گردیده که چراغ راه بسیاری از زوجین بوده ، با ادامه بحث خویش ، امید است با ذکر این مطالب ، گامی هر چند بسیار کوچک در ایجاد صلح و صفا بین خانواده‌ها برداشته شود. آمین!

منابع: * "כתר מלכות ؛ تاج ملکوتی" گردآورنده و مترجم: "هاراو داوید میشمרתי שליט"א

* "שלום בית ؛ صلح و صفا در خانواده" نوشته: "هاراو اהرون زکאי שליט"א

* "שערי ניסים ؛ دروازه‌های معجزات" نوشته: "هاراو نیسیم پניری שליט"א

* سایت "הידברות" از سلسله دروس "هاراو زمیر کهن שליט"א

* سایت ویکیپدیا

اشکار است کلیه مطالب از این منابع اقتباس شده و نشریه "صلح جهانی" در محتوای مطالب نقشی ندارد.

بخش چهارم:

* برقراری صلح و صفا در خانواده

* گذشت ، پایه و اساس صلح و صفا:

معمولاً افراد به آسانی با همدیگر دوست و نزدیک نمی‌شوند زیرا که یکی در چشم دیگری اصیل نیست و از طرف دیگر هم تحمل اخلاق و رفتار او را ندارد ، چون به آنها عادت ندارد ، مانند این است که می‌خواهند با خوراکی‌هایی که به هیچ وجه با هم جور در نمی‌آیند ، غذای خوب و خوشمزه‌ای بپزند.

اجتماع مانند غذایی می‌ماند که هر نفر باید از طعم و بوی خود در آن بریزد ، و تورای مقدس ، آتشی است که آن را پخته و از آن غذایی خوشمزه و باب سلیقه هر یهودی می‌سازد. همچنین در زندگی مشترک خانواده ، دو طرف موظفند با همدیگر جوش خورده و هر یک از طعم و بوی خویش به زندگی خانواده اضافه نماید.

در تلمود آمده است: "هر گاه شخصی ، زن اول خویش را طلاق می‌دهد ، حتی قربانگاه هم برای وی اشک می‌ریزد!"

و مفسران می‌پرسند: [چرا گفته شده: "قربانگاه؟"]

چه ارتباطی بین قربانگاه و طلاق دادن زن وجود دارد؟ و پاسخ می‌دهند قربانگاه محلی است که بر آن قربانی می‌نمایند و در آن رمزی است برای زوجین که هم چنین آنها نیز باید هر یک برای دیگری از خودگذشتگی کنند و اگر تصمیم گرفتند از هم جدا شوند، نشانه این است که برای همدیگر از خودگذشتگی نکرده‌اند و به همین سبب کار آنها به بحث و مجادله کشیده، بنابراین قربانگاه برایش اشک می‌ریزد.

می‌توان اذعان داشت گذشت، امری بسیار حیاتی و ضروری است زیرا اگر هر کدام از طرفین روی خواسته خویش پافشاری نماید، دیری نخواهد پایید سر از دادگاه در خواهند آورد و بنابراین باید شخص دوراندیشی کند و در مقابل زوجه خویش و خواسته او گذشت نماید و هرگز نیاندیشد و نگران نباشد مبدا به خاطر این عملش ترسو، ضعیف‌النفس و بی‌ارزش جلوه می‌کند زیرا چنین تصویری تنها می‌تواند از سوی غریزه بد باشد، زیرا بالعکس، دلیر و قهرمان کسی است که بتواند غریزه بد و خواهشهای نفسانی خویش را تسخیر نماید و صد البته تمایل خویش به بحث و مجادله را تحت کنترل بگیرد. به دلیل این از خودگذشتگی موفق خواهد گشت صلح و صفا را به خانه خویش به ارمغان ببرد.

— کسی که گذشت می‌کند ضرر نمی‌نماید

تعریف می‌کنند در مورد زوج مسنی که در شهر طبریا در صلح و صفا زندگی را سر می‌کردند و دختر یکی یکدانه آنها در شهر یروشالییم در حال تحصیل بود و شبها هم همان جا در خوابگاه دانشسرا می‌خوابید. پس از مدتی وقتی به سن ازدواج رسید به او پسری را به منظور ازدواج معرفی نمودند و پس از دیدارها و معاشرتهای اولیه به آن پسر گفت:

"فقط در صورتی حاضریم با شما وصلت نمایم که پس از ازدواج، هفته‌ای یک بار از یروشالییم برای ملاقات والدینم به طبریا برویم زیرا به ایشان بسیار وابسته‌ام." آن جوان با شنیدن این شرط تقریباً غیرممکن، رابطه خویش را با آن دختر قطع نمود زیرا نمی‌خواست شرطی را قبول نماید که مطمئن نبود بتواند آن را عملی کند.

پس از گذشت مدتی پسر دیگری را به وی پیشنهاد دادند و دوباره پس از آن که با هم توافق نمودند آپارتمانی در یروشالییم خریداری نمایند، با او شرط نمود که باید حتماً هفته‌ای یک بار برای ملاقات والدینش به طبریا مسافرت نمایند و این جوان نیز از قبول این شرط سرباز زد و دنبال

کار خویش رفت.

برای بار سوم شخصی را به او معرفی کردند و این بار این جوان از آنجا که دوستانش در مورد این دختر و شرط غیر ممکن وی شنیده بود، می‌دانست دیر یا زود از او خواهد پرسید: "آیا موافق است هفته‌ای یک بار برای ملاقات والدین او به طبریا بروند یا نه؟"

ولی از آن جا که آن دختر به دلیل خصایل برجسته و خد-اترسی‌اش نظرش را بسیار جلب کرده بود، پیش خود تصمیم گرفت به هر قیمتی شده با او ازدواج نماید و بالاخره روزی که دختر شرط خویش مبنی بر مسافرت هفتگی به طبریا را مطرح نمود، با حکمت به وی پاسخ داد: "من بسیار متعجبم چرا تو درخواست می‌نمایی فقط هفته‌ای یک بار برای ملاقات والدینت به طبریا مسافرت کنیم زیرا بالاخره آنها والدین تو و تو دختر یگانه آنها می‌باشی، بنابراین به نظر من، ما باید هفته‌ای دو بار به طبریا برویم...!"

دختر از شنیدن این سخنان بسیار خوشحال گشت مثل آن که گنجی پیدا کرده باشد و در دل خود گفت:

"بالاخره آن چه دنبالش می‌گشتم، یافتم...!"

و خلاصه پس از حدود سه ماه، مراسم ازدواج را با شکوه و جلال خاصی به انجام رسانده و زندگی خوشی را با هم آغاز نمودند. و بعدها آن جوان برای دوستانش چنین تعریف کرد: "درست است که در دو ماه اول طبق قرارمان هفته‌ای یک بار به طبریا مسافرت می‌کردیم ولی پس از گذشت دو ماه، همسرم خودش به من گفت که کافی است از این پس دو هفته‌ای یک بار به طبریا مسافرت می‌کنیم زیرا او بسیار مشغول امور منزل است و مسافرت، بیش از این برایش مشکل می‌باشد و پس از گذشت چند ماه، دیگر کار به جایی رسیده که من به زحماتش می‌کنم لاقلاً هر چند هفته‌ای یک بار به طبریا برویم و زحماتش را به بهانه‌های مختلف از این مسافرت سرباز می‌زنم تا آن جا که پس از اصرارهای مکرر من، زحماتش را هر چند وقت یک بار راضی می‌شود به اتفاق به طبریا برویم...!"

* سگوت و تسلط بر نفس:

معمولاً در دعوا و منازعه هر کدام از طرفین که قویتر و خشن‌تر باشد، برنده می‌شود ولی در زندگی خانوادگی این موضوع بین زوجین کاملاً متفاوت می‌باشد، و برعکس کسی که بر خود تسلط می‌یابد و به توهین و بی‌احترامی طرف مقابل اهمیتی نمی‌دهد، مثل این که اصلاً آنها را نشنیده و چشمان خویش را بر بی‌انصافیهای او و بر نقایص وی می‌بندد، همانا او است که در آخر برنده شده و طرف مقابل از وی قدردانی و تمجید می‌کند و با هر فرزند دیگری که به دنیا می‌آید قلبهایشان به هم نزدیکتر و خانه آنها تبدیل به آشیانه خوشبختی و آسایش می‌گردد.

می باشند که باعث می شوند سعی و کوششهای وی ثمره خوب بدهند.

"הרב אליעזר פאפו" (نویسنده کتاب بسیار مشهور "פלא יועץ" در زمینه پند و اندرز در امورات مختلف زندگی) می نویسد: "کسی که همسرش، او را عصبانی می کند و در نظرش خوب نمی باشد، دعا نماید و تفیلا بخواند که خد-اوند در دل همسرش بیاندازد که او را دوست بدارد و همسرش در نظر او آبرو و احسان بیابد و او همسرش را دوست داشته باشد."

(از کتاب "יעלזו חסידים"، صفحه ۲۹۰)

واقعه ذیل قدرت تفیلا را به بهترین صورت برای ما آشکار می نماید:

"הרב יחזקאל-ל אברמסקי" (نویسنده کتاب "חזון יחזקאל-ל") در سبیری زندانی بود، از همان روز اول که به آن جا رسید (همراه گروهی بزرگی از اسیران) به آنها دستور داده شد برای اولین ورزش خود آماده شوند، کفشها و جورابها را درآورند و پای برهنه روی برفهایی که منجمد شده و یخ بسته بودند، مسافت چند کیلومتر را بدوند.

"הרב יחזקאל-ل" در این مورد تعریف نمود:

در این راهپیمایی با پروردگار مهربان طبق رسم همیشگی خویش صحبت کردم مانند پسری که با پدرش سخن می گوید بدین صورت: [پدر در کتابت نوشته ای: "همه چیز از آسمانها نازل می شود به جزء تب و سرماخوردگی." (مسخت کتوبت، برگ ۳۰، صفحه اول)

پس شاید باید فکر می کردم که در مقابل سرما، انسان باید از خودش محافظت نماید و اگر در مقابل سرما و باد شدید از خودش مراقبت و محافظت ننماید، صداقت و پرهیزکاری او برای محافظتش در مقابل بیماری، هیچ فایده ای نخواهد داشت! ولی اینجا سبیری است که بیش از حد یخ زده می باشد، تو خودت خوب می دانی که من به هیچ عنوان توانایی آن را ندارم که از خودم محافظت نمایم، بنابراین تو خودت باید از من محافظت کنی. پروردگار عالم به درگاهت التماس می کنم مرا نجات ده. قوی ام کن که در این کشور سرما نخورم.]

وی در پایان فرمود: "چندین سال در سبیری زندانی بودم و حتی یک بار هم سرما نخوردم. بیشتر افراد سرما می خوردند ولی من، در این دوران حتی یک بار هم دچار سرماخوردگی نشدم، زیرا از همان ابتدا از پدر این چنین درخواست کرده بودم."

از این واقعه درمی یابیم قدرت دعا و نیایش قادر است حتی قوانین طبیعت را نیز تغییر دهد. انسان باید در هر قدمی که برمی دارد و به هر عملی دست می زند، قبل از هر چیز به درگاه پروردگار، تفیلا بخواند و صد البته که باید برای برقراری صلح و صفا در خانواده خویش که دارای

منازعه تنها موقعی دوام می یابد که هر دو طرف در آن شرکت می جویند و هر کدام به سهم خود به آتش آن دامن می زنند ولی وقتی یکی از طرفین بر خود مسلط گشته و سکوت اختیار می نماید، دفتر حساب نقایص و کمبودهای دیگری را بررسی نمی کند و هر لحظه لغزشها و بد دهنیهای او را ذکر نمی کند. از آن جایی که آن منازعه دیگر نمی تواند پیشرفت کند، خود به خود فرو کشیده و خاموش می شود. کسی که در منازعه، جواب پرخاشگریهای طرف دیگری را می دهد مانند آن است که بنزین روی آتش می ریزد و برعکس کسی که سکوت می کند مثل آن است که آب، روی آتش می ریزد.

طرف دوم بالاخره به سبب صبر، حوصله و سکوت طرف مقابل خویش، از او قدردانی خواهد کرد. و نه تنها این، بلکه در ابتدا در قلب خویش و سپس به صورت مشهود و بارز شروع به اظهار ادب می نماید. تا آن که موقعی می رسد که به وی می گوید: "آفرین بر تو، من که هرگز نمی توانستم این چنین صبور باشم و حتی برای لحظه ای در نزدیکی درنده ای مانند خودم بایستم!"

گاهی ممکن است این را به صورت شوخی و گاهی به رمز یا حتی گاهی با سکوتی که حتی بیش از هزاران حرف است، بگوید. زیرا هر چه باشد انسان برای آن که بتواند حقیقت را اقرار نماید، باید بزرگتر و والاتر باشد، به هر حال آشکار نمودن حقیقت به هر گونه و شکلی که باشد، صلح و صفا را مزده می دهد.

*** صلح و صفا در خانواده توسط تفیلا (دعا و نیایش)**

در تلمود آمده است: ["רבי אלעזר" می فرماید: "انسان باید همواره دعا را بر مصیبت مقدم کند..."]

و نیز "רשב"ל" می فرماید: "شخصی که در دنیای پایین در مورد دعا و تفیلا کوشش می نماید، از دنیای بالا بر سرش بلایی نازل نمی گردد." از این گفتار تلمود می آموزیم که شخص باید همیشه قبل از آن که در زندگی سختی یا مصیبتی برایش پیش آید، تفیلا بخواند و صد البته اگر هم اکنون در تنگنا قرار داشته و در خانواده اش صلح و صفا وجود ندارد، موظف است به درگاه پروردگار متعال استغاثه نماید که نام مقدسش را در خانه وی قرار دهد. هم چنان که می دانیم "שלום؛ صلح و صفا" از اسامی خد-اوند می باشد.]

با وجود آن که انسان سعی و کوشش بسیاری برای برقراری صلح و صفا در خانواده خویش می کند و از هر گونه بحث و جدالی دوری می جوید، با این همه نباید هیچ وقت از دعا و استغاثه دست بردارد زیرا همین دعاها

اهمیت بسیاری می‌باشد ، تفیلا بخواند. و حتی اگر شخص فکر می‌کند و به نظرش می‌رسد که دیگر برای وی از آسمانها قسمت بریده‌اند که باید در خانه ، زجر بکشد و هرگز در خانه و خانواده‌اش ، صلح و آرامش وجود نداشته باشد ، باید بداند خخامیم در تلمود فرموده‌اند:

["רבי אלעזר" می‌فرماید: "سه چیز هستند که احکام سخت را باطل می‌نمایند و آنها از این قرار می‌باشند: تفیلا ، صداقا و توبه."] (گمارای یروشلمی ، مسخت تعנית)

و نیز خخامیم در میدراثس فرموده‌اند:

"تفیلا از بروز و پیش آمدن سختی جلوگیری می‌کند ، همانند سپری که هنگام جنگ از فرد محافظت می‌نماید." (استر ربا ، بخش ۱۰ ، قسمت ۹)

و حتی اگر صلح و صفا از خانه‌ای دور شده و اهالی آن در تنگنا و سختی قرار دارند نباید از رحم پروردگار مهربان مأیوس گشت ، هم چنان که خخامیم در تلمود فرموده‌اند: "حتی اگر شمشیر بزان بر گردن انسان قرار گرفته از طلب رحم (از درگاه خد-اوند) دست نکشد."

(مسخت براخوت ، برگ ۱۰ ، صفحه اول)

و صد البته اگر در حالی که اشک می‌ریزد ، تفیلا بخواند ، آن اشکها آسمانها را شکافته و تفیلایش مورد قبول واقع می‌گردد ، هم چنان که خخامیم در تلمود فرموده‌اند:

"دروازه‌های اشک قفل نشده‌اند."

(مسخت براخوت ، برگ ۳۲ ، صفحه دوم)

بنابراین هرگز نباید مأیوس شد ، بلکه باید به درگاه پدر رحیم استغاثه نماید و نیز زن نیز همین کار را انجام دهد و تفیلایشان قبول خواهد گشت.

* صلح و صفا در خانواده از طریق دعای خیر شخص صدیق

در ضمن آن که انسان باید سعی و کوشش خویش را برای برپایی صلح و صفا در خانواده خویش بنماید ، در حین فروتنی و احترامی که برای زوجه‌اش روا می‌دارد ، شایسته است شوهر گاه به گاه از شخصی صدیق و تلمید خاخام خواهش کند او را برکت نموده و برایش دعا کند که همیشه در خانه و خانواده‌اش صلح و صفا وجود داشته باشد زیرا برکت شخص صدیق قادر است احکام بد آسمانی را باطل نماید و در زندگی فرد تأثیر فوق‌العاده‌ای گذارد و حتی اگر به هر حال همیشه در خانواده‌شان صلح و

صفا برقرار است ، از شخص صدیق درخواست کند که وی را برکت کند تا آن صلح و صفا برای همیشه باقی بماند. واقعه ذیل قدرت عظیمی را که در دعای خیر شخص صدیق نهفته است ، آشکار می‌سازد:

در مورد "הרב יוסף זכריה שטרן" که از بزرگان دوره پیش بود و سالها در سمت ربانوت در شهر "שארית" در "ליטה" خدمت می‌نمود ، یک روز یکی از همسایگان وی دوان دوان و هراسان به نزد وی آمده و گفت:

"زنم به بیماری سختی دچار شده و پزشکان او را مأیوس کرده و گفته‌اند آخر عمرش فرا رسیده است."

فوراً "הרב יוסף זכריה" پاسخ داد: "چه گفتید؟ آنها مأیوس می‌کنند؟ صاحبان جدید عمر انسانها!"

و هاراو با اطمینان ادامه داد: "زنت زنده خواهد ماند ، او سالهای بسیاری زنده خواهد ماند...! پنجاه سال دیگر...!"

و "הרב מרדכי וולק" تعریف کرد که در آمریکا بود و در آن جا شخصی را ملاقات نمود که در شهر "שארית" به

دنیا آمده بود و او به من گفت:

"آن زن ، مادر من بوده و تعریف کرد یک بار حال مادرم بسیار بد شده بود و فرزندانش می‌خواستند برای وی دکتر صدا کنند ، ولی او مخالفت نمود و گفت هنوز از عمرم دو سال باقی است و احتیاجی به دکتر نمی‌باشد..."

و پس از گذشت دو سال از آن زمان دوباره آن شخص را ملاقات کردم و وی به هاراو گفت: [دعای خیر صدیق به

صورت کامل عملی شد بدین صورت که در پایان سال پنجاهم که دیگر مادرمان عمر سپری کرده بود و آثار پیری در چهره وی به خوبی دیده می‌شد تمام فرزندان و نوه‌ها و نتیجه‌های خود را دور خود جمع نمود و دوباره آن داستان معروف را برای همگی تعریف کرد و در خاتمه گفت:

"امروز درست پنجاه سال از آن روز که هاراو به من قول پنجاه سال دیگر زندگی را داد ، می‌گذرد و پس از این که وصیت خود را نمود. همگی را دعای خیر نمود و از آنها جدا گشت و به تختخواب خود رفت و فوراً جان به جان آفرین تسلیم کرد."]

* لطفاً بخش پنجم این گفتار را در شماره آینده این

نشریه مطالعه فرمایید.

به امید آبادی هر چه زودتر بیت‌همیقداش و ظهور ماشیخ در این دوران و برآورده شدن تمام آرزوهای نیک قلبی قوم بنی‌یسرائل. آمین!

עלוך הזה מוקדש:

* להצלחה וכל ישועות: מהנז בת בתיה ו خانواده‌اش , תומר בן אילנה , יגאל בן ציון , خانواده כהנא

* לרפואה שלמה: חנה בת خاتונجان , תמר בת חנה , اورהام בן חנה , אילנה בת محبوبה , בן‌خور בן יאפה

* לעילוי נשמת: اورהام בן סارا , חזקיה (فرج) בן خورشید و بیصחק , אברהם בן וולף ושרה ,

אقبال בת بی‌بی‌جان داویدی , سیפورا (فروغ) בת جمילה , نورا בת راخا , میریام (پروان) בת گوهر